

- تاریخ جنگ پلپونزی
- نوشته توکودیدس (توسیدید)
- ترجمه محمدحسن لطفی
- چاپ اول، انتشارات خوارزمی
- تهران، ۱۳۷۷ ش

۳۸۳

بیشتر دست‌آوردان کتاب، دکتر محمدحسن لطفی را با ترجمه‌های به یاد ماندنی از آثار برجسته تاریخ فلسفه غرب می‌شناسند: «دوره آثار افلاطون»، «دوره آثار فلوپین»، «پایندیا» از ورنریگر، و «متفکران یونانی» نوشته تئودور گمپرتس. اما این بار همت مثال زدنی دکتر لطفی، اهل تاریخ را نیز بهره‌مند و محظوظ ساخت و با ترجمه کتاب یگانه توکودیدس (در فرانسوی: توسیدید) مورخ یونانی، علاقه‌مندان تاریخ را بر سر شوق آورد.

محمدحسن لطفی که پیش از این، با ترجمه آثاری چون: «خاطرات سقراطی» به خامه کستوفون یونانی، «مرگ سقراط» تألیف رومانو گواردینی، «سقراط» و «افلاطون» هر دو از کارل یاسپرس، و «افلاطون» نوشته کارل بورمان، علاقه خود را به مطالعه در باب تاریخ اندیشه یونان باستان نشان داده بود، و با ترجمه «آغاز و انجام تاریخ» نوشته کارل یاسپرس نیز به مباحث کلی و بنیادین تاریخ پرداخته بود، با ترجمه و نشر متن کامل «تاریخ جنگ پلپونزی»، یکی از متون کلاسیک تاریخ و یک نوشته اساسی متقدم در تاریخ سیاسی را در اختیار فارسی زبانان قرار داد. با این حال کارنامه علمی دکتر لطفی، البته بیش از اینها آثار ارزشمند را در خود جای داده است؛ که بررسی آنها فرصتی دیگر و مجالی فراختر می‌طلبد.

کتاب توکودیدس به بررسی تاریخ نبردهای داخلی یونان - معروف به جنگهای پلپونزی - می‌پردازد. این جنگها که در فاصله سالهای ۴۳۱ ق. م تا ۴۰۴ ق. م، میان دولتشهرهای آتن و

اسپارت و هواداران ایشان رخ داد، همزمان با اواخر دوره فرمانروایی اردشیر اول هخامنشی تا پایان حکومت داریوش دوم در ایران بود. اما تاریخ توکودیدس تنها تا سال ۴۱۱ ق. م را شامل می‌شود و با اینکه از گفته خود او (کتاب پنجم، بند ۲۶) پیداست که وی حداقل تا پایان جنگ پلوپونزی در قید حیات بوده است، و با وجود اینکه مؤلف کار نوشتن تاریخ خود را از زمان شروع جنگ آغاز کرده بود (کتاب اول، بند ۱)، به درستی دانسته نیست چرا کتاب او ناقص مانده است. به هر حال، تاریخ توکودیدس با اینکه مستقیماً به تاریخ ایران مربوط نمی‌شود، اما از آنجا که سیاست دربار هخامنشی را در قبال دولت‌شهرهای یونانی نشان می‌دهد، مطالعه آن برای تحقیق درباره بخشی از تاریخ هخامنشی مفید و حتی ضروری است. در واقع درگیری‌های داخلی یونانیان، به حکومت هخامنشی فرصت داد تا با اعمال نفوذ در ایونیه و ولایات غربی آناتولی، آنچه را که به دنبال «جنگهای مادی» از دست داده بود، باز پس گیرد و با استفاده از «تیراندازان زرین پارسی»<sup>۱</sup>، شهرهای یونانی‌نشین آناتولی را دوباره متصرف شود. حکومت هخامنشی هر چند در جنگ پلوپونزی، دست همکاری خود را به سوی اسپارت دراز کرد، اما سیاستمداران ایران به خصوص «تیسافرن» ساتراپ لودیا (لیدیه) به گونه‌ی عمل کردند که جنگ به درازا کشد و طرفین متخاصم تضعیف شوند.

توکودیدس<sup>۲</sup> را برخی شاگرد آناکساگوراس فیلسوف ایونیاپی خوانده‌اند، و جمعی او را از تعلیم یافتگان سوفسطاییان دانسته‌اند.<sup>۳</sup> به هر تقدیر هر یک از این محققان خواسته‌اند نشان دهند

۱ - اشاره است به عبارتی که پلوتارک (حیات مردان نامی، آگسیلائوس، بند ۲۴) از قول فرمانروای اسپارت بیان کرده است. آگسیلائوس که چند سال پس از پایان جنگ پلوپونزی به بخشهایی از قلمرو غربی هخامنشیان دست درازی کرده بود، در موقع عقب‌نشینی به اسپارت گفته بود: «ده هزار تیرانداز مرا از آسیا راندند؛ و منظورش سکه‌های طلای ایران بود که بر روی آنها تصویر تیرانداز پارسی نقش بسته بود و علیه وی در شهرهای یونان خرج می‌شد.

۲ - برای دیدن فهرستی از آثار پژوهشی درباره توکودیدس، ر. ک.

The Blackwell Dictionary of Historians, edited by John Cannon, R. H. C. Davis, William Doyle, Jack P. Greene, New York, 1988, p. 413;

همچنین برای دیدن بعضی انتقادات که از توکودیدس شده است و منابع آنها، ر. ک. فریدون آدمیت، تاریخ فکر: از سومر تا یونان و روم، تهران: روشنگران، ۱۳۷۵، صص ۱۴۰، ۱۴۹، ۲۱۹، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۳.

۳ - ر. ک. تئودور گمپرتس، متفکران یونانی، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۵، ج ۱، صص ۵۲۰ و ۵۲۹؛ نیز: امیل بریه، تاریخ فلسفه در دوره یونانی، ترجمه دکتر علی مراد داودی، تهران:



# تاریخ جنگ پلوپونزی

لوحته توکودیدس (توسیدید)

ترجمه  
محمد حسن افشاری

۳۸۵

که شیوه نگرش او به تاریخ، ریشه در چنین تفکراتی دارد. زیرا کوشش توکودیدس در آن است که برخلاف دیگر مورخان دنیای باستان، وقایع تاریخی را مانند فرآیندی طبیعی و با توجه به قاعده‌علیت توضیح دهد، که براساس آن در اوضاع و احوال مشابه، علت‌های واحد می‌بایست نتایج مشابه داشته باشند.<sup>۱</sup> همین روح استدلالی و توجه مداوم به علت و معلول در جریان حوادث تاریخی سبب شده است که توکودیدس را «فیلسوفی در میان تاریخ‌نویسان»<sup>۲</sup> و نیز «پدر روش علمی تاریخ»<sup>۳</sup> بخوانند و برخی دیگر با قدری مبالغه و شتابزدگی، حتی او را به عنوان «بزرگترین مورخان همه زمانها»<sup>۴</sup> ملقب سازند. در این میان البته تمام توجه توکودیدس متوجه حوادث سیاسی و وقایع مربوط به جنگ داخلی یونان است. هم از این روست که عده‌یی از منتقدانش او را سپاهی خشک مغزی دانسته‌اند که تنها یک تاریخ‌نویس نظامی است که به حوادث سیاسی

دانشگاه تهران، ۱۳۵۲، ص ۱۰۴؛ دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ در ترازو، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۷۸؛ ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۲: یونان باستان، ترجمه امیرحسین آریان‌پور و دیگران، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵، ص ۴۸۲.

۱- زرین‌کوب، همان کتاب، ص ۷۹؛ گمپرتس، همان کتاب، ص ۵۲۰.

۲- گمپرتس، همان کتاب، ۱/۴۸۲ و ۳/۱۵۵۲. ۳- دورانت، همان کتاب، ص ۴۸۶.

۴- جورج سارتون، تاریخ علم، ترجمه احمد آرام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۳۳۵.

توجه دارد.<sup>۱</sup> البته چنانکه ویل دورانت اشاره می‌کند، جای تأسّف است که مورخی چون توکودیدس، در تمام حیات یونان، جز جنگ چیزی دیگر را شایسته توصیف ندیده است.<sup>۲</sup> اما واقع آن است که در کتاب توکودیدس، ذکر وقایع با تفکر در باب آن واقعه همراه است و گزارش او از جنگ با اندیشه سیاسی. او به دنبال علل طبیعی پدیده‌های تاریخی است. در تاریخ توکودیدس از افسانه، اساطیر و روایات نامعقول خبری نیست. او درباره پیشگوییهای کاهنان هم با تمسخر سخن می‌گوید، و حتی درباره افراد داوری اخلاقی هم نمی‌کند. توکودیدس نخستین مورخی بود که برداشت افسانه‌یی و اسطوره‌یی از تاریخ را مورد انتقاد قرار داد.

اما آنچه در کار توکودیدس مهم است، دقت نظر و سعی در قضاوت واقع بینانه است. او خود می‌گوید که برای بیان رویدادهای جنگ پلپونزی، به دقت تمام تحقیق کرده و به روایت راویان اعتماد نکرده است (کتاب اول، بند ۲۲). حتی با اینکه به گواهی پلوتارک («پریکلس»، بندهای ۳۱، ۳۴)، توکودیدس از مخالفان سرسخت پریکلس بود و سرانجام هم به دست او، از آتن تبعید شد، اما توکودیدس در کتاب خود آوازه قدرت و شهرت پریکلس را به خوبی توصیف کرده است («پریکلس»، بندهای ۳۳، ۳۴). یکی دیگر از نمونه‌های پرهیز توکودیدس از تحریف و اقیامیات، ذکر گفتگوی آتنی‌ها با نمایندگان مردم جزیره ملوس است. توکودیدس با اینکه خود یک شهروند آتنی است، در اینجا سیاست قدرت طلبانه دولت خود را که مبتنی بر اعمال زور و خشونت است، به صراحت نشان می‌دهد (کتاب پنجم، بندهای ۸۴-۱۱۳). در پایان این ماجرا وقتی که ساکنان جزیره ملوس مجبور به تسلیم شدند، آتنی‌ها تمام مردانی را که به سن سربازی رسیده بودند، کشتند و زنان و کودکان را به بردگی فروختند (کتاب پنجم، بند ۱۱۶).

البته تاریخ توکودیدس نشان می‌دهد که او تا اواخر عمر، همچنان روحیه سرداری و نظامی خود را حفظ کرده است. اما این نکته مانع از آن نیست که برتری او را نسبت به دیگر تاریخ‌نویسان دوره باستان نادیده بگیریم. اینکه درباره توکودیدس گفته‌اند «هیچکدام از تاریخ‌نویسان پیش از او با او قابل قیاس نیست و هیچیک از جانشینانش نیز راهی را که او گشاده بود در پیش نگرفت»<sup>۳</sup>، ستایش بی‌بهره‌یی نیست. شواهد دیگری هم بر حقیقت دوستی، دقت و احتیاط توکودیدس در کار تاریخنگاری در دست است. بخشی از متن یکی از پیمان‌هایی که وی در تاریخ خود ذکر کرده است (کتاب پنجم، بند ۴۷)، در سال ۱۸۷۷ م به وسیله انجمن باستان‌شناسی آتن بر سنگ مرمری نزدیک اکروپلیس کشف شد، که با آنچه توکودیدس نقل کرده

۱- ر. ک. آدمیت، همان کتاب، ص ۱۴۹. ۲- دورانت، همان کتاب، ص ۴۸۵.

۳- ورنر یگر، پایدیا، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۰۴.

بود کاملاً مطابقت داشت.<sup>۱</sup> به علاوه، توکودیدس به مواردی از کسوف و خسوف اشاره می‌کند که واقعاً اتفاق افتاده‌اند.<sup>۲</sup> شاید وجود همین خصوصیات است که سبب شده بعضی از محققان، تاریخ توکودیدس را بزرگترین اثر تاریخی دوره باستان بخوانند.<sup>۳</sup>

متن یونانی کتاب توکودیدس، نخستین بار در سال ۱۵۰۲ م در ونیز به چاپ رسید.<sup>۴</sup> یک سده بعد هم، تامس هابز فیلسوف شهیر انگلیسی ترجمه‌ای از این کتاب را در سال ۱۶۲۸ م منتشر کرد.<sup>۵</sup> چنانکه دکتر لطفی در «یادداشت مترجم» (ص ۲۲) اشاره کرده است، از تاریخ توکودیدس ترجمه‌های متعدد به زبانهای اروپایی در دست است.<sup>۶</sup> در ایران نیز پیش از این، دو متن خلاصه شده نزدیک به هم از تاریخ توکودیدس ترجمه شده است که دکتر لطفی (ص ۲۳) به اولین آنها اشاره کرده است. مشخصات کتابشناسی این دو ترجمه به شرح زیر است:

- توسیدید، «جنگ بزرگ - چگونه یونان را جاه‌طلبی نابود ساخت»، با مقدمه دکتر رضا کاویانی، [بدون نام مترجم]، تهران: انتشارات جمعیت مبارز، ۱۳۳۱.  
- توسیدید، «درس عبرت»، ترجمه دکتر رضا کاویانی، به اهتمام احمدعلی رجائی، تهران،

۱ - سارتون، همان کتاب، ص ۳۳۸. ۲ - همان کتاب، ص ۳۴۶.

۳ - ر.ک. گمپرتس، همان کتاب، ۵۱۹/۱. ۴ - سارتون، همان کتاب، ص ۳۳۷.

۵ - برتراند راسل، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریابندری، تهران: کتاب پرواز، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۷۵۵.

۶ - به جز سه ترجمه آلمانی و انگلیسی که مورد استفاده دکتر محمدحسن لطفی قرار گرفته است، برای نمونه به بعضی از ترجمه‌های دیگر کتاب توکودیدس اشاره می‌شود:

- Thucydides, History of the Peloponnesian War, with an English translation by Charles Forster Smith, 4 Vols., The Loeb Classical Library, Cambridge, Massachusetts/ London, 1966 - 1976.

- Id., The Peloponnesian Wars, translated by Benjamin Jowett, New York, 1963.

- Id., The History of The Peloponnesian War, translated by Richard Crawley, Chicago, 1952 [with The History of Herodotus, tr., G. Rawlinson].

- The Complete Writings of Thucydides: The Peloponnesian War, The unabridged Crawley translation with an introduction by John H. Finley, New York, 1951.

- Thucydides, La Guerre de Péloponnèse, Texte établi et traduit par Jacqueline de Romilly, Paris, 1968.

ترجمه دکتر محمدحسن لطفی از متن کامل «تاریخ جنگ پلوپونزی»، یک ترجمه شیوا، روان و خواندنی است. به کار بردن تلفظ یونانی اعلام و نامهای خاص که به پیروی از ترجمه‌های آلمانی کتاب انجام شده و دوری از کاربرد تلفظ‌های معمول این اسامی، نشان از دقت و وسواس علمی استاد لطفی در کار ترجمه است. برخی از این تلفظ‌ها، از این جمله‌اند: «آلکیبیادس» به جای آلسیبیاد یا آکسیبیادس؛ «پامفولیا» به جای پامفیلیا؛ «تمیستوکلس» به جای تمیستوکل؛ «توکودیدس» به جای توسیدید؛ «داسکولیون» به جای داسکیلیون؛ «سوفوکلس» به جای سوفوکل؛ «کسنوفون» به جای گزنوفون؛ «لوسیماخوس» به جای لیزیماخوس؛ «موتیلن» به جای میتیلن؛ «موکاله» به جای میکال یا میکاله. همچنین باید توجه داشت که اصطلاحات «پلوپونز» «لاکونیا» یا «لاکدایمون» (در فرانسوی: لاسیدمون)، و «اسپارت» در این کتاب، در مفهوم مشترکی به کار رفته‌اند. زیرا اسپارت پایتخت لاکونیا بوده و لاکونیا هم از نواحی عمده شبه جزیره پلوپونز محسوب می‌شده است.

نگارنده که تاکنون توفیق دیدار دکتر لطفی برایش دست نداده است، از اینجا به استاد درود می‌فرستد و از زبان دوستاناران تاریخ به او دست مریزاد می‌گوید، که «هر کجا هست خدایا به سلامت دارش». به واقع دکتر محمدحسن لطفی از آن عده مردمانی است که باید حق ایشان را شناخت و آن را به جا آورد. سعی دکتر لطفی مشکور و لطفش مأجور باد.